

www.csr.ir

اندیشیدن به آینده

از وادی تراژدی امروز

ادوارد سعید

برگردان: ستاره مهدیزاده

بهبهت و حیرت فردی که به وقایع امروز فلسطین بیندیشد از این جهت است که تقریباً با تکرار وقایع ۱۹۸۲ و روبروست؛ حمله همه جانبه اسرائیل به ملت فلسطین (باغفلت شگفت انگیز و حمایت مضحک جرج بوش) در واقع وحشتناک تر از یورش های قبلی شارون به فلسطین در سال های ۱۹۷۱ و ۱۹۸۲ است. جو سیاسی و اخلاقی امروزه به صورتی است که رسانه ها بیشتر موافق مواضع اسرائیل هستند (و در برگزیدن عملیات شهادت طلبانه از سوی فلسطینیان در مقابل اشغال ۳۵ ساله اراضی فلسطین نقش دارند)، جنگ علیه تروریسم بیشتر حالت اعلامیه های بین المللی پیدا کرده است و جهان عرب تا به حال به این حد نامنسجم و منشعب نبوده است.

علاوه بر تمامی موارد فوق استعداد آدمکشی شارون نیز افزایش پیدا کرده است و این در واقع بدین معناست که او می تواند با احساس مصونیتی بیش از پیش، مخرب باشد، گرچه این مسئله را در نظر نیاورده است که نفرت در خاتمه به هیچ وجه موفقیت سیاسی یا نظامی در پی نخواهد داشت. در مناقشه میان ملت ها عواملی تأثیر گذار است که تنها با تانک و نیروی هوایی بر طرف نمی شود - و مهم نیست شارون چند بار نامعقولانه پیرامون ترور داد سخن سراید - و جنگ علیه شهروندان غیر نظامی نتیجه ای سیاسی پایدار را که در آرزوی رسیدن به آن است، در پی نخواهد داشت. فلسطینیان نخواهند رفت. علاوه بر این فرجام شارون نیز بدنامی اوست در برابر مردمش. شارون

برنامه‌ای جز نابودی فلسطین و فلسطینیان ندارد. حتی در جهت به خشم آوردن عرفات نیز تلاش‌های شارون تنها به بالا بردن اعتبار او انجامید و سرانجام شارون خود به بزرگ‌ترین معضل اسرائیل تبدیل شده است. آنچه برای ما مهم است این که اخلاقاً هر آنچه می‌توانیم انجام دهیم و علی‌رغم رنج‌ها و ویرانی‌های تحمیل شده، به راهمان ادامه دهیم. هنگامی که سیاستمداری برجسته، کهنه کار مانند برژنیسکی در تلویزیون دولتی به صراحت اظهار می‌دارد، که اسرائیل مانند رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی عمل می‌کند، می‌توان مطمئن بود که او در این نظر تنها نیست، و تعداد روز افزونی از آمریکائیان و سایر ملل نیز به تدریج از اسرائیل متنفر می‌شوند. اسرائیل که زمانی حیات خلوت ایالات متحده محسوب می‌شد، اکنون هزینه‌ای بیش از حد را بردوش این کشور قرار داده است و شهرت این کشور را با متفقین و شهروندانش خدشه دار کرده است.

مسئله این است که در این لحظات خطیر درباره بحران کنونی و آنچه که می‌بایست در طرح‌های آتی پیاده کرد، چه می‌توان آموخت؟ آنچه مجبور به گفتن آن هستیم، بسیار محدود است و ثمره سال‌ها عمر کسی است که از جانب فلسطینیان به فعالیت مشغول است و با هر دو جهان عرب و غرب آشناست. درباره آنچه در این ساعات صعب می‌گذرد نه چیز زیادی می‌دانم و نه می‌توانم هر آنچه بخواهم بر زبان آورم، آنچه در پی می‌آید چهار نکته است که هر یک به یکدیگر مربوط است:

(۱) چه بخواهیم و چه نخواهیم مسئله فلسطین در حال حاضر مسئله‌ای مربوط به اعراب و مسلمانان است، و برای بسیاری از مناطق از اهمیتی وافر برخوردار است. فعالیت برای فلسطین مستلزم آن است که از ابعاد گوناگون آن آگاه بوده و همچنان در حال بازآموزی این موارد باشیم. جهت دستیابی به این هدف نیازمند رهبری آگاه و هوشیار هستیم که از جانب قاطبه مردم حمایت شود. به جز موارد فوق، باید همچون ماندلا از سخن گفتن پیرامون مبارزه خود دست برداریم و آگاه باشیم که مسئله فلسطین از مهم‌ترین مسائل اخلاقی عصر ماست. بنابراین باید همچون مسئله‌ای خطیر با آن برخورد کرد. فلسطین موضوع تجارت یا مذاکره و یا حتی موضوع انجام وظیفه نیست. باید همتی کرد تا فلسطینیان جایگاه رفیع اخلاقی خود را یافته و حفظ کنند.

(۲) قدرت آشکال متفاوتی دارد که قدرت نظامی یکی از صور بارز آن است. آنچه به اسرائیل امکان انجام اقدامات خشنونت بار ۵۴ سال گذشته علیه فلسطینیان را داده است، حاصل برنامه‌ریزی‌های علمی دقیق برای توجیه اعمال اسرائیل و درعین حال بی‌اعتباری و خنثی کردن اقدامات فلسطینیان است، و این تنها مسئله ابقای نیروی نظامی نیست، بلکه جهت بخشی و سازماندهی افکار عمومی به ویژه در ایالات متحده و اروپای غربی است، و این ماحصل فعالیت‌های خزننده و هدفمند اسرائیلیان است. موقعیت اسرائیل به این طریق تثبیت شده است، در حالی که فلسطینیان را نیز به عنوان

گفتگو با آقای کنت راث

حقوق بشر

و برخورد دوگانه

کنت راث از سال ۱۹۹۳ سمت معاونت دیده‌بان حقوق بشر را داراست. دیده‌بان حقوق بشر که بزرگ‌ترین سازمان حقوق بشر مستقر در ایالات متحده است، به بررسی موارد نقض حقوق بشر در حدود ۷۰ کشور می‌پردازد، در مورد وضعیت حقوق بشر در این کشورها گزارش می‌دهد و در پی محدود ساختن نقض حقوق بشر در آنهاست.

آقای راث به تحقیق درباره حقوق بشر در سراسر گیتی پرداخته و توجه خاصی به مسائل مربوط به رعایت عدل و انصاف و پاسخگویی درباره موارد فاحش نقض حقوق بشر، معیارهای حاکم بر رفتار نظامیان در زمان جنگ، سیاست‌های حقوق بشر ایالات متحده و سازمان ملل و مسئولیت‌های مربوط به حقوق بشر در فعالیت‌های چند ملیتی دارد.

در طول نه سال به عهده داشتن معاونت دیده‌بان حقوق بشر، حجم سازمان تقریباً به سه برابر رسیده و در عین حال حوزه جغرافیایی تحت پوشش خود را وسیعاً گسترش داده است. گفت و گوی دبیر بخش «نمای نزدیک» راهبرد را با آقای کنت راث می‌خوانید.

○ علی‌رغم این واقعیت که در سال‌های اخیر تأکید زیادی بر مسئله حقوق بشر در جهان شده است، شاهد موارد شدید نقض حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی و در بالکان بوده‌ایم. چگونه می‌توان این پدیده را توجیه کرد؟

● باید گفت که جنبش‌های حقوق بشر در فعالیت‌های خود دچار محدودیت‌هایی هستند. هیچ‌گونه تضمین و یا نقطه نظر راهبردی در زمینه بازداشتن دولت‌های فاسد از اقدام به منظور سرکوب خواست‌های مردم برای نیل به دموکراسی وجود ندارد. نهادهای حقوق بشر فشار بر دولت‌ها را افزایش داده‌اند و متقابلاً دولت‌ها، سرکوب امیال مردمشان را برای نیل

←

دشمنان اسرائیل و در نتیجه مخالفان خطرناک آمریکا شناسانده‌اند. از زمان پایان جنگ سرد، اروپا به لحاظ ساختار افکار عمومی دچار بی‌تفاوتی است. در حال حاضر خارج از محدوده فلسطین آمریکا صحنه اصلی نبرد است. آمریکائیان هرگز به اهمیت سازماندهی رفتارهای سیاسی آنچنان که در نظر داشتند، دست نیافتند و از آن روست که کلمه فلسطین در اذهان مردم عادی متبادرکننده مفهوم تروریسم نیست. به همین سبب می‌توانیم همچنان به مقاومت علیه اسرائیلیان ادامه دهیم. ما فلسطینیان، از مصونیتی که شارون از آن برخوردار است و با وجود ارتکاب جنایات جنگی آن را مبارزه علیه تروریسم می‌نامد، برخوردار نیستیم و در نتیجه این اسرائیل است که همواره از مکافات و مجازات اعمالش رهایی یافته است. این نشانه ضعف ماست که عبارت «بمب‌گذاری انتحاری» صدها بار در روز از کانال‌های سی‌ان‌ان برای مصرف کنندگان و مالیات دهندگان آمریکایی پخش می‌شود و نیز به جهت غفلت ماست که تیمی مرکب از افرادی چون هانان اشراوی، لیلا شهیر، قصاب خطیب و عقیف صافی در واشنگتن تشکیل شده است تا از سی‌ان‌ان و یا هر شبکه‌ای تلویزیونی دیگر به بیان وقایع فلسطین و فراهم آوردن زمینه این حوادث بپردازند و با حضور مثبت و اخلاقی و ارزشمند، چهره منفی ارائه شده از سوی رسانه‌ها را بزدایند، و نیز نیازمند رهبریتی هستیم که به عنوان یکی از مهم‌ترین پایه‌های سیاست در عصر ارتباطات

الکترونیک، و نه به عنوان بخشی از تراژدی عصر حاضر این اصول را درک کند.

۳) در جهان تک ابرقدرتی امروز، بدون آشنایی با تاریخ، نهادها، جریان‌ها و ضد جریان‌ها، سیاست و فرهنگ و بیش از تمامی اینها بدون آشنایی با زبان حاکم بر آن، مطمئناً هیچ فعالیتی به لحاظ سیاسی ثمر بخش نخواهد بود. با شنیدن سخنان سخنگویان فلسطین با دیگر ملت‌های عرب که زمانی جلب ترحم کرده و زمانی دیگر به لعن و نفرین آمریکامی پردازند و گاهی نیز خواستار کمک از جانب این کشور می‌باشند، فریاد هر صاحب‌نظری به آسمان برمی‌خیزد. آمریکا کشوری تک قومی نیست و ما در این کشور دوستانی داریم که احتمالاً تعدادشان نیز روبه‌افزایش خواهد بود. می‌توانیم جامعه خود را پرورش داده و تجهیز کنیم و نیز با کمک گرفتن از جوامع نزدیک و آشنا به عنوان بخشی یکپارچه از سیاست‌های آزاد سازی در این راه تلاش کنیم، همچنان که این امر در آفریقای جنوبی و نیز توسط الجزایری‌های فرانسه برای آزاد سازی این کشور با برنامه ریزی، نظم و همکاری به وقوع پیوست. متأسفانه هنوز به درکی کامل از سیاست‌های غیرخوشونت آمیز دست نیافته‌ایم. به علاوه هنوز به اهمیت نفوذ به افکار عمومی اسرائیل همچنان که ANC بدان گونه با سفید پوستان آفریقای جنوبی مقابله کردند، و بخشی از سیاست اتحاد و احترام دو جانبه ایشان بود، پی نبرده‌ایم. هم زیستی ما پاسخی است به انحصارطلبی و جنگ طلبی اسرائیلیان و این نه عقب نشینی،

به دموکراسی، آزادی بیان و آزادی اجتماعات افزایش می‌دهند، اما موفقیت آن فشارها نیاز به زمان دارد. در حال حاضر شاهد نقض شدید حقوق بشر از بوسنی گرفته تا چین و نیز زیر پا گذاشته شدن حقوق مردم فلسطین هستیم.

○ شما درباره معیار دوگانه‌ای که کشورهای غربی و به ویژه ایالات متحده در مورد نقض حقوق بشر توسط دوستان و دشمنان خود به کار می‌برند، چگونه می‌اندیشید؟

● می‌دانیم که ایالات متحده به طور منظم از حقوق بشر در ایران انتقاد می‌کند و می‌گوید که برخی عناصر محافظه کار در ایران وجود دارند که در راه نیل مردم ایران به دموکراسی که خواسته آنان است مانع به وجود می‌آوردند، اما ایالات متحده در زمینه انتقاد از نقض حقوق بشر توسط دوستانش اشتیاق ندارد و مردم در ایالات متحده باید در مورد این موضوع از دولت خود سؤال کنند. این همان برخورد دوگانه دولت آمریکاست که به نظر من بسیار دردناک و تراژدیک است.

○ برآورد شما از وضعیت حقوق بشر در جهان در حال و آینده چیست؟

○ وضعیت حقوق بشر از یک کشور به کشور دیگر تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد. در بعضی مناطق وضعیت حقوق بشر به تدریج در حال پیشرفت است مانند ایران و در دیگر مناطق رو به وخامت دارد، بنابراین، جنبش حقوق بشر باید افرادی را که تلاش می‌کنند تا دموکراسی را در کشور خود به پیش ببرند و علیه دیکتاتوری دست به فعالیت بزنند، تشویق کند. ما شاهد روندی مثبت در قسمت اعظم آمریکای لاتین و اروپا هستیم در حالی که در کشورهایی نظیر چین وضعیت حقوق بشر در حال بدتر شدن است.

بلکه ایجاد اتحاد و در نتیجه انزوای انحصار طلبان، نژادپرستان و افراطیون است.

۴) مهم ترین درسی که باید از وضعیت کنونی

درباره خویش بیاموزیم، برگرفته از تراژدی

دهشتناکی است که اسرائیل در اراضی اشغالی

و دولت خودگردان همچنان به حیات خود

ادامه می دهیم. ملتی هستیم در جامعه ای زنده

که همچنان پویاست، ۵۴ سال است علی رغم

تمامی سوء استفاده ها، پشت کردن روزگار،

رنج ها و بدبختی ها و تراژدی ها همچنان به

عنوان یک ملت مقاومت کرده ایم، و این

بزرگ ترین پیروزی ما بر اسرائیل است، گرچه

افرادی چون شارون و هم پالگی هایش ظرفیت

درک آن را ندارند و به این جهت با وجود قدرت

بی حد و سبوعیت غیر انسانی خود همچنان

محکوم اند. مابرخلاف اسرائیلیانی چون شارون

براین تراژدی ها و خاطرات گذشته خود غالب

آمده ایم. در حالی که شارون به گور خواهد

رفت، به عنوان قاتل اعراب و سیاستمدار

شکست خورده ای که برای ملتش تنها آشوب

و عدم امنیت تحصیل کرد. میراث یک رهبر

برای نسل های آینده سنگ بنای ساختن

فرداست. شارون، موفاز و دیگر همدستان آنها

در این مسابقه وحشیانه مرگ و کشتار چیزی به

جز گورستان بر جای نخواهند گذاشت، و

نفرتی که زاینده نفرت است.

به عنوان یک فلسطینی، تصور من این

است که دیدگاه های ما و جامعه ای که بر جای

خواهیم گذاشت در برابر چنین کشتارهایی

مقاومت خواهد کرد، و این هدف ماست. نسل

فرزندان من و شما از همین نقطه، آینده کشور را
به روشنی، نقادانه، خردمندانه، و با امید و
شکیبایی به پیش خواهند برد.

تصاویر تلویزیون الجزیره به نحو بارزی

روشن بود. عملیات قهرمانانه فلسطینیان، آنها را

به اسطوره های عصر ما تبدیل کرده است.

تمامی ارتش، نیروهای دریایی اسرائیل از

حمایت های کریمانه و بدون قید و شرط آمریکا

برخوردارند، و این باعث شده تا فلسطینیان پس

از ۱۰ سال مذاکره با اسرائیلی ها به سبب نابودی

۱۸ درصد ساحل غربی و ۶۰ درصد غزه بسیار

خشمگین شوند. بیمارستان ها، مدارس،

کمپ های آوارگان و اقامتگاه های غیرنظامیان

در معرض حمله ای بی رحمانه از سوی ارتش

اسرائیلی است که در هلی کوپترهای جنگی،

هوایماهای اف ۱۶ و مرکاواس های خود تجمع

کرده اند و با این وجود مبارزان فلسطینی در

حالی که از تسلیحات اندکی برخوردارند، نیرویی

نیرومند و سرکش و وحشی قلمداد می شوند.

در آمریکا سی ان ان و روزنامه هایی چون

نیویورک تایمز در پیش پا افتاده جلوه دادن این

مسئله شکست خوردند و هرگز یادآوری نکردند،

این نبردی نابرابر است که دو دولت درگیر آن

نیستند، بلکه تنها یک دولت است که تمام قدرت

خویش را به منظور نابودی ملتی بدون دولت،

آواره، محروم، بدون اسلحه و بدون رهبری

واقعی بسیج کرده است. حمله ای وحشتناک که

جنایتکاران جنگی به رهبری اسرائیل بی شرمانه

به نابودی ملتی همت گمارده اند.

به عنوان نشانه ای از چگونگی تفکرات

شارون دیوانه آنچه را در روزنامه‌ها آرتز ۵ مارس اظهار داشته است، ذکر می‌کنم: «PA در پس همه این اعمال تروریستی است. و این به تمامی مصداق تروریسم است و می‌دانیم که عرفات حامی این اعمال است. ما به منظور پایان دادن به این اعمال تروریستی از وارد آوردن هیچ فشاری فروگذار نمی‌کنیم و مجبوریم خسارات سنگینی به آنها وارد کنیم و سپس خواهند دانست که نمی‌توانند با به کار بردن اعمال تروریستی، دستاوردهای سیاسی به دست آورند.»

به غیر از نشانه‌های آشکار حاکی از وجود ذهنی بیمار که تنها متوجه نابودی و تخریب، و نفرت محض است، سخنان شارون نشانگر عدم وجود تعقل و روحیه انتقادی در جهان پس از سپتامبر گذشته است. آنچه در دنیای امروز شاهد آنیم چیزی بیش از تروریسم لجام گسیخته است؛ سیاست، مناقشه، تاریخ، بی عدالتی و مقاومت و البته تروریسم دولتی. با وجود این که طبقات روشنفکر و آکادمیک امریکا ندرتاً به این مسئله توجه دارند، ماهمه تسلیم کاربرد نادرست زبان و معانی شده‌ایم، در این کاربرد هر آنچه دوست نداریم تروریسم است و آن چه که ما مبادرت به انجام آن می‌ورزیم پاک و درست است؛ یعنی مبارزه با تروریسم بدون توجه به این که از بین رفتن جان چند نفر انسان چقدر ثروت و تاچه حد نابودی در پی خواهد داشت. تمامی معیارهایی را که ما به عنوان روشنفکران سعی داریم به دانشجویان و همشهریانمان بیاموزیم، به حاکم شدن خشم و کینه از نوعی

که فقط صاحبان ثروت و قدرت حق کاربرد آن را برای خود قائل اند، بدل شده است. پس جای شگفتی نیست که آدمکش دست چهارمی چون شارون در مهد دموکراسی، قانون اساسی، احکام آزادی و توقیف خود را محق می‌داند و با ترور و تروریسم تمامی اینها را به زیاله دان تاریخ می‌سپارد. به عنوان قشر روشنفکر و به عنوان یک شهروند هنگامی که بدون بحث و بررسی و نظرات انتقادی بودجه نظامی ۴۰ میلیونی را پذیرفتیم، در حالی که ۴۰ میلیون نفر از شهروندان هنوز بیمه نشده‌اند، در مأموریتمان شکست خورده و خود را مورد ریشخند عموم قرار دادیم. به اسرائیلیان، اعراب و امریکاییان گفته شده است که عشق به میهن چنین هزینه‌ها و ویرانی‌هایی را نیز دربردارد. در این حالت آنچه که در معرض خطر است، منافعی مادی است که قدرتمندان را به اریکه قدرت نشانده، و مؤسسات تجاری را به سوددهی رسانیده است: مردم را تا زمانی راضی نگه می‌دارد که روزی از این خواب خوش برخاسته و به فکر روند در این دنیای تکنولوژی زده و در معرض بمباران و کشتار، سرنوشتشان به کجای انجامد. اسرائیل هم اکنون آغازگر جنگی بر علیه شهروندان غیرنظامی و بی دفاع است، گر چه شما این مطلب را هرگز در آمریکا نخواهید شنید. این جنگی نژادپرستانه و به لحاظ استراتژیک و تاکتیکی نیز استعمارگرانه است. مردم به این دلیل کشته می‌شوند و عذاب می‌کشند که یهودی نیستند. چه طنز تلخی! با این وجود سی‌ان‌ان هرگز از اراضی «اشغالی» ذکر می‌کند که میان

گفتگو با خانم جولیا دک

اینجا مدفن حقوق بشر است

خانم جولیا دک ۲۱ ساله، اهل برلین، بیش از شش هفته در دفتر کار محاصره شده عرفات در رام الله حضور یافت. در کنار وی بیش از ۳۰ تن از تظاهرکنندگان بین‌المللی از ده کشور وجود داشتند. آنچه می‌خوانید گفتگوی خبرنگار اسپیکل است که در صبح روز ۲۵ آوریل ۲۰۰۲ با خانم جولیا دک انجام داده است.

شما بیش از سه هفته است که در دفتر کار عرفات حضور دارید. چرا این عمل را انجام می‌دهید؟

من آن قدر اینجا خواهم ماند تا ارتش اسرائیل به خانه بازگردد. ما در اینجا هستیم تا فشار وارد آوریم که یک اوضاع غیرقانونی از میان برود و بار دیگر حقوق بشر مورد احترام قرار گیرد. ناظران بی‌طرف و خبرنگاران توقیف شده و آمبولانس‌ها و امداد رسانی با ممانعت مواجه شده‌اند. در اینجا نقض شدید حقوق بشر آغاز شده است.

آیا می‌توانید تصور کنید که این امر تا چه مدت دیگر ادامه دارد؟

این امر کاملاً به این نکته بستگی دارد که رفتار دولت‌ها در سراسر جهان چگونه است، که دربرگیرنده دولت خودمان نیز می‌باشد. از این رو، امروز انتظار شنیدن سخنان شفافی را از مجلس آلمان داریم، تا این که سرانجام خط روشنی پدید آید و ماشین فشار مؤثری ساخته شود. اما آلمان تا کنون چندان شهادتی نشان نداده و این امر به خاطر این است که انتقاد از اسرائیل جنبه ضدیهودی پیدامی‌کند و مورد سرزنش قرار می‌گیرد.

در مورد بسیاری از منتقدین این شتمات و سرزنش واقعا به حق است؟

←

نمی‌آورد (اغلب از «آشوب در اسرائیل» یاد می‌کند، گویی مرکز اصلی اغتشاش سالن‌ها و تریاهای تل‌آویو است و نه محله‌ها و کمپ‌های آوارگان فلسطینی که تحت محاصره ۱۵۰ منطقه اسرائیل است). طی ۱۰ سال گذشته امریکا موجب تحمیل فریب اسلو به جهانیان شد، در حالی که کمتر کسی آگاه است که تنها ۱۸ درصد ساحل غربی و ۶۰ درصد غزه قرار است عودت داده شود. هیچکس از جغرافیای منطقه چیزی نمی‌داند، و بهتر نیز آن است که کسی چیزی نداند، چرا که واقعیت بهت‌آور و حاوی خودستایی سیاستمداران است.

توماس فریدمن (Tomas Friedman) به اصطلاح روشنفکر خود بین با گستاخی اظهار می‌دارد: «تلویزیون اعراب تصاویر یک جانبه‌ای به نمایش می‌گذارد» گویا قرار است تلویزیون اعراب همچون سی‌ان‌ان، از دیدگاه اسرائیلیان تصاویری از «اغتشاشات خاورمیانه» - که اصطلاحی است برای پوشش پاکسازی نژادی و انتقام گرفتن از فلسطینیان در اردوگاه‌ها و محله‌هایشان - نشان می‌دهد. آیا فریدمن (یا تلویزیون سی‌ان‌ان) تا به حال سعی کرده‌اند تفاوتی بین حملات ارتشی مجهز به مردم سرزمین‌هایی که برای ۳۵ سال است اشغال شده و مردمی که در برابر قصابی از خود دفاع می‌کنند، قائل شوند؟ مسلماً خیر... چرا که نیازی نیست آقای فریدمن به خود زحمت دهد و از اشغالگران فلسطینی، اف ۱۶ های فلسطینی، هلی‌کوپترهای آپاچی، قایق‌های جنگی، تانک‌های مرکاوا، و در کل اشغال اسرائیل

توسط فلسطینیان گزارش تهیه کند. به سادگی باید گفت فریدمن به عنوان گزارش گروه مفسرری صادق کاملاً در تبیین دیدگاه‌های آمریکا یا درک دلایل اعمال اعراب و فلسطینیان شکست خورده است. آیا نمی‌داند که او و نویسندگان متونش، خود بخشی از مسئله‌اند، و با توجیه خود و عدم صداقت بی هیچ نشانی از نقد خویش و نیز با متوقع بودن از دیگران، در واقع به جای کاهش سوء تفاهمات، باعث افزایش غفلت و سوء تفاهم می‌شوند؟ وای به حال چنین روزنامه‌نگاران و روشنفکران.

تصاویری که دریافت می‌کنید از اسرائیلیانی است که نه برای زمین یا پایگاه‌های نظامی در اراضی اشغالی فلسطین، که برای حفظ جانشان مبارزه می‌کنند. ماه‌هاست رسانه‌های آمریکا هیچ نقشی‌ای نشان نداده‌اند. در روز هشتم ماه مارس که از آغاز قیام ۱۶ ماهه انتفاضه خونین‌ترین روز بوده است، اخبار بعد از ظهر سی‌ان‌ان تنها به ذکر کشته شدن ۴۰ تن بسنده کرد و حتی از کشته شدن چندین مأمور صلیب سرخ که توسط تانک‌های اسرائیلی از حمل مجروحانشان ممانعت به عمل آمده بود، ذکری به میان نیامد. تنها «۴۰ تن» و بدون هیچ تصویری از جهنمی که ایشان به مدت ۳۵ سال اشغال نظامی در آن به سربرده‌اند. طول کرم اکنون مکانی است تحت محاصره و حکومت نظامی ۲۴ ساعته، قطع آب و برق، و انتقال ۸۰۰ مرد جوان، ویران کردن خانه‌های آوارگان، نابودی یکباره اموال (منظور من کلپ‌های شبانه یا مکان‌های ورزشی نیست بلکه کلبه‌ها و پناهگاه‌هایی

بیشتر اوقات این کلمات را می‌شنوم. اما من برای اسرائیلی‌ها نیز به همین شیوه اقدام می‌کنم. اما تاکنون آنها در موقعیتی مشابه فلسطینی‌ها قرار ندارند. امروز در برابر سربازان اسرائیلی وقایعی که ۶۰ سال قبل در آلمان رخ داد را بسیار بدمی‌دانم و این که در آن نیز انسان‌های همانند من وجود داشتند که مخالف آن عملیات بوده‌اند. من ضداسرائیلی و یا ضدیهودی و یا طرفدار فلسطین نیستم بلکه خواهان رعایت حقوق بشر هستم.

گروه‌های تروریستی فلسطینی نیز دست به قتل زده و حقوق بشر را نقض می‌کنند.

هر طرفی که باشد مهم نیست، من هرگونه خشونت تروریستی علیه انسان‌ها را محکوم می‌کنم. سوء قصد‌های تروریستی را که فلسطینی‌ها انجام داده‌اند، هیچ‌گاه صحیح ندانسته‌ام، اما اسرائیلی‌ها نیز راه غلطی را برگزیده‌اند. از فلسطین به عنوان دولت هیچ‌گونه خشونت‌ی بروز نکرده است بلکه افراد منفرد و گروه‌هایی بوده‌اند که عرفات علیه آنها می‌خواهد اقدام کند. اما تا زمانی که آنها متهم بوده و جرمشان ثابت نشده، باید در همه جا در پیش داوری احتیاط به خرج داد.

اما نامه‌های روشنی از ضاربین انتحاری که متعلق به سازمان‌های دور و اطراف «ساف» هستند باقی مانده است.

چرا از هنگامی که آغاز حملات اسرائیلی‌ها دست بر قضا ایستگاه‌های پلیس ویران و کامپیوترها و پرونده‌ها و آرشیوها نابود گردیده است. چرا تمام اقتدارها را ایزوله کرده‌اند؟ عرفات بدون در اختیار داشتن نهادهای فعال و پلیس چگونه می‌تواند دست به کار گردد؟ پریروز در کنارمان حتی یک زندان را منفجر ساختند.

شارون اصرار دارد که موضوع بر سر شکار تروریست‌ها بوده است.

←

آیا این امر تا حدودی تروریسم دولتی محسوب نمی‌گردد؟ هنگامی که افراد خود را منفجر ساخته و مردم بی‌گناه را نیز به قتل می‌رسانند، امری ناگوار است. اما آیا به این موضوع اندیشیده شده که چه عاملی باعث می‌گردد که یک دختر ۱۶ ساله دست به چنین اقدام‌های مایوسانه‌ای بزند؟ من باید درباره منشأ پرسش کنم. آنچه که در این جارخ می‌دهد باعث شده تا هرگونه توسعه و ترقی مدنی حداقل ده سال به عقب افتاده و در هر دو طرف انسان‌هایی را که اعتقادات بنیادگرایانه‌ای را تعقیب می‌کنند، تقویت می‌نماید.

آیا نگران نیستید که مورد سوء استفاده برای تبلیغات یک جانبه واقع شوید؟

به اندازه کافی و نزدیک شاهد وقایع هستم تا بتوانم تصویری شخصی برای خودبه وجود آورم. بنابراین، اگر پرسش شود که طرفدار چه کسی، چه گروهی، حزبی و یا مسیری هستم در پاسخ خواهم گفت: من جولیا می‌باشم.

چه تضمینی وجود دارد که اطلاعات دریافتی شما صحیح هستند؟

ما در این جامتکی به اخبار و اطلاعات واصله از سوی مقام‌های فلسطینی نبوده و به همه می‌گوییم «بوهو» فلسطینی‌ها در این جا بسیار ضد و نقیص استدلال می‌کنند حتی خود عرفات - به علاوه هر کس دارای رابطی با خارج است تا بتواند به اطلاعات اضافی دسترسی یابد. در ضمن، ما رسانه‌های بین‌المللی را دریافت می‌کنیم. به طور کلی از طریق پرسش تلفنی به صحت و سقم اطلاعات خود پی می‌بریم. البته واقعیت همانند یک بازی پازل است، اما ما زمانی که منابع مستقل جریان‌ات را تأیید نکنند، ما هیچ چیزی را گزارش نمی‌کنیم.

دیروز خاویر سولانا - فرستاده اروپا - نزد عرفات بود.

←

است که به دو برابر ظرفیت آواره‌های بی‌پناه در خود جای داده است) و نمونه‌های بی‌شماری از وحشیگری‌هایی که در حق غیرنظامیان بی‌دفاع رواداشته شده است که تا سرحد مرگ مجروح و زخمی شده‌اند، زنانی که در خیابان‌ها وضع حمل می‌کنند و پیرمردانی که جوانی ۱۸ ساله مسلح به ام ۱۶ که با مالیات‌های ما خریداری شده است - در حال جویدن آدامس مجبورشان کرده با پای برهنه در خیابان رفت و آمد کنند. مرکز شهر بیت‌الحم و دانشگاه آن از ارتفاع ۵۰۰۰ پای توسط اف ۱۶ نظامیان غیور اسرائیلی با خاک یکسان شده است. بهای این اف ۱۶ پیشرفته نیز توسط مالیات‌های ما پرداخت شده است. اردوگاه بالاتا Balata، ایدالو Aidalو دحیشه Deheishe و اردوگاه‌های عزا Azza روستاهای خدر Khadr و هوسان Husan همگی در حالی نابودی‌اند که در رسانه‌های امریکا حتی ذکری از آن نیز به میان نیامده است. و سردبیران نیویورکی آنها به جز تعداد انگشت شماری به هیچ روی احساس ناراحتی نکرده‌اند. هزاران کشته‌دفن شده و مجروحان یاری نشده، گذشته از صدها و هزاران ناقص‌العضو و زخمی دیگر نشان فاجعه‌آمیزی از رنج‌های این مردم است. تمامی اینها در فاصله‌ای نه چندان دور در غرب اورشلیم توسط مردانی به وجود آمد که ساحل غربی و غزه را از وجود اهالی آن پاک کرده‌اند و این درسی است که نظامیان شجاع اسرائیل آموخته‌اند. سه شنبه گذشته در بزرگ‌ترین حمله روزهای اخیر، رام‌الله Ramallah توسط ۱۴۰ تانک اسرائیلی نابود شده

و اسرائیلیان مجدداً اراضی اشغالی را به تصرف خویش درآوردند.

ملت فلسطین بهای گزاف و بسیار سنگینی را برای اسلو پرداخته است، در حالی که پس از ۱۰ سال چیزی جز مقداری زمین محدود و نامنسجم برای آنها باقی نمانده است و نهادهای امنیتی نیز تنها به جهت سودرسانی و اطمینان بخشی برای اسرائیلیان به وجود آمده اند، فلسطینیان همواره ضعیف نگه داشته می شوند تا دولت یهودی به پیشرفت و کامیابی دست یابد، ۱۰ سال است که همواره هشدار می دهیم بین زبان صلح آمریکا - اسرائیل و واقعیات ترسناک موجود هیچ رابطه ای وجود ندارد. کلمات و عباراتی چون «روند صلح» و «تروریسم» هیچ مرجعی برای ارجاع در جهان واقعیات ندارد. تصاحب زمین های فلسطینیان یا کلاً به دیده اغماض نگریسته می شود و یا از آن به عنوان مصالحه و مذاکره دو جانبه یاد می شود. مذاکره بین دولتی که به هر بهایی در صدد حفظ و تثبیت تمامیت ارضی خویش است از سوئی، و از سوی دیگر مذاکره کنندگانی که چهار سال طول می کشد تا نقشه ای معتبر از سرزمین هایی را که بر سر آن مذاکره می کنند به دست آورند. ناگوارترین مسئله این است که طی ۵۴ سال یعنی از سال ۱۹۳۸ داستان رنج ها و قهرمانی های ملت فلسطین به هیچ روی به اطلاع افکار عمومی جهانی نرسیده است. ما همواره به عنوان افراطیون آشوب گر مرتجع، در حد تروریست هایی که بوش و اعوان و انصارش به مردم بی خبر و ناآگاه خویش می شناسانند،

آیا از این دیدار بوی امیدواری جدید به مشام می رسد؟ دیدار سولانا همانند کالین پاول - وزیر امور خارجه آمریکا - بود. از نظر لفظی همه شرکت کنندگان به سرعت به توافق می رسیدند. اما برای اجرای نهایی قطعنامه سازمان ملل متحد در برابر اسرائیل توافق قطعی به دست نیامده. از این رو، امیدواریم که حداقل به یک وعده کوچک عمل شود: ما یک فهرست دارو به سولانا دادیم که در این جا شدیداً مورد نیاز است. او می خواست همچنین مواد غذایی باتفاق هیأت بدین جا آورد که سربازان اسرائیلی مانع آن شدند.

تأمین تدارکات چگونه است؟

همانند یک محاصره در قرون وسطی: مادر گرسنگی به سر می بریم. هشت روز قبل آخرین خودروی حاصل مواد غذایی وارد شده است. روز یکشنبه کنسول فرانسه تصادفاً به هنگام دیدار مقداری بسته برای یتیم خانه، که حاوی شیرخشک، عدس و غذای بچه بود، به همراه داشت. اکنون صد نفر در اینجا از آن تغذیه می کنند.

شکوه های شما را در اینجا کسی واقعاً جدی تلقی نمی کند. شما باید روی این نکته حساب کنید که جریان از این بدتر گردد.

آیا توجیه کننده کاری است که این مردم انجام می دهند؟ حتی سه هفته قبل هنگامی که با پرچم سفید در این جا حرکت کردم در فواصل آخر به سویم تیراندازی شد. چه چیزی توجیه کننده این تیراندازی است؟ چه کار غیرقانونی انجام داده بودم؟

ترس و نگرانی را چگونه از خود دور می کنید؟

البته من دچار هراس هستم. از سوی دیگر، انسان همواره با بدترین شرایط عادت کرده و خو می گیرد. من به این اعتقاد خود پایبند هستم که آنها دست به



جنون سیاسی زده و به این جا حمله نخواهند کرد. در آن صورت اوضاع بدتر خواهد شد.

آیا با سربازان اسرائیلی تماس دارید؟

در برابر پنجره‌ای که اکنون من نشسته‌ام، تک تیراندازان موضع‌گیری کرده‌اند و خود را پشت کیسه‌های شن مخفی ساخته‌اند. گاهی اوقات لبخندی به ما می‌زند و چندین بار به صدای بلند با آنها گفتگو کرده‌ایم. اما به سوی آنها نمی‌توان رفت زیرا دست به تیراندازی زده و یا سعی در دستگیری ما می‌کنند. یک گروه فرانسوی که سه روز قبل خانه را ترک کرده بود از دیروز هنوز در حبس به سر می‌برد.

آیا گاهی اوقات با عرفات گفتگو می‌کنید؟

بله، مرتباً او را می‌بینیم. طی گفتگوها او گفت که مسئله این است که اسرائیل همواره سطح درخواست‌های خود را بالا و بالا می‌برد. اسرائیل از یک سو خواهان آن است که فلسطینی‌ها برای امنیت تضمین دهند، از سوی دیگر ایستگاه‌های پلیس فلسطینی را ویران می‌کنند و هرگونه تأسیساتی که جامعه برای این کار بدان نیاز دارد را نابود می‌سازند. هنگامی که فلسطینی‌ها و یا عرفات در این جا منزوی بوده و به سویشان تیراندازی می‌شود، چگونه قادر به انجام کار هستند؟

آیا سیاستمداران آلمانی با شما تماس برقرار ساخته‌اند؟

بله، نمایندگان حزب دموکرات مسیحی و سوسیال دموکرات به من تلفن زدند و از سوی حزب دموکرات‌های آزاد، شخصی با مادرم تماس گرفته است که در ابتدا این جا نزد من به سر برده است. اما عجیب آن است که از سوی دولت اقدامی به عمل نیامده است. در حالی که می‌خواستم حتماً با یوشکافیشر تماس برقرار سازم، اما نزد سبزه‌ها نتوانستم به موفقیتی برسم.

معرفی شده‌ایم، و این نبوده مگر به کمک ارتشی کامل از مفسران و ارباب رسانه‌ها همچون بلیتزر Zahn، Lehrer، ردر Rother، بروکاکا Brokaw، و روسرت Russert. لابی اسرائیلی همواره از این که از سوی چنین حامیانی حمایت می‌شود، خشنود است.

ولی اکنون طرح پیشنهادی سعودی موضوع بحث و گفتگو و امیدواری است، به نظر من می‌بایست آن را از دید واقعیت‌ها و نه ایده‌آل‌ها مورد بحث و بررسی قرار دهیم. در وهله اول باید بدانیم این طرح همچون طرح ریگان در سال ۱۹۸۲، طرح فهد در سال ۱۹۸۳، و طرح مادرید در سال ۱۹۹۱ است. به عبارتی این طرح نیز همچون طرح‌های دیگری است که در پایان، اسرائیل و آمریکا نه تنها در اجرای آن ممانعت می‌ورزند، بلکه فعالانه در جهت تخریب آن گام برمی‌دارند. به اعتقاد من مذاکرات می‌بایست بر سر اصل عقب نشینی کامل اسرائیل باشد و نه همچون مذاکرات اسلو بر سر تسلیم بخش‌هایی از سرزمین‌های اشغالی توسط اسرائیل. خون‌های بسیاری از فلسطینیان ریخته شده است و همچنان شاهد به دیده اغماض نگریسته شدن اعمال اهانت بار و نژادپرستانه اسرائیلیان، در مذاکراتی همچون اسلو خواهیم بود که میانجی‌گری آن به عهده متعصب‌ترین میانجی یعنی آمریکا است. اما بر همه آشکار است که مبارزان دلیر فلسطین هرگز رؤیاها و آرزوهای خود را رها نخواهند کرد و این سنت با وجود حملات و بمباران‌ها همچنان ادامه خواهد داشت. به اعتقاد من باید به سال‌ها رنج

فلسطینیان و بهایی که بابت سیاست‌های ویرانگرانه اسرائیل پرداخته‌اند، بها داد و قبل از هر نوع پیمان صلحی تصریح کرد که چگونه دولت‌های اسرائیل حقوق فلسطینیان را پایمال کرده‌اند، همچنان که خانه‌های ما را ویران و مردم ما را قتل‌عام کرده‌اند. در هر مذاکره‌ای می‌بایست تاریخ را در نظر داشت- به این جهت می‌بایست تیمی کامل از مورخان، اقتصاد دانان و جغرافی دانان آگاه فراهم آوریم- از این روی فلسطینیان باید نمایندگان جدیدی به امید نجات ملت از فجایع کنونی برگزینند. به طور خلاصه در نشست‌های بین نمایندگان اسرائیل و فلسطین باید برخلاف مذاکرات پیشین به فجایعی که بر ملت‌ها گذشته است، توجه شود. نشست اسلو به اشغال اراضی و ویرانی و کشتاری که طی این ۲۵ سال رخ داده است، به دیده اغماض می‌نگرد. پس از وارد آمدن این همه مصیبت و رنج اسرائیل نباید بخشیده شود و نباید حتی بدون آن که لفظاً محکوم شود از سر میز مذاکره کنار رود، بلکه باید تاوان اعمالش را پس بدهد. به ما گفته شده است که سیاست برای رسیدن به اهدافی است که امکاناتش فراهم است و نه امیدها و آرزوها و این که ما می‌بایست به عقب نشینی اندک اسرائیل نیز دلخوش باشیم؛ ولی من شدیداً با این نظر مخالفم. مذاکرات می‌تواند درباره «زمان» عقب نشینی کامل باشد و نه در صدد واگذاری از سوی اسرائیلیان. یک فاتح غارتگر نمی‌تواند چیزی را واگذار کند؛ او می‌بایست هر آنچه به ناحق گرفته باز پس دهد و مکافات هر آنچه

مسئول آن است پس دهد، همچنان که صدام حسین بهای اشغال کویت را پرداخت. ماهنوز با اهدافمان فاصله زیادی داریم، گرچه هم اکنون مبارزان دلیر فلسطینی در غزه و ساحل غربی به لحاظ سیاسی و اخلاقی، شارون را شکست داده‌اند. شارون در آینده نزدیک مقامش را از دست خواهد داد، در حالی که به مدت نزدیک دو دهه ارتش شارون، با حمله به شهرهای اعراب و کشتار آنها بذر ویرانی‌ها کاشته است، و این همه بدون توجه جامعه عربی بوده است. فکر می‌کنم با دیدن تجاوز به فلسطینیان، رهبران جهان عرب در عمق روحشان احساس شرم کنند. امروزه بیش از هر زمانی اعراب به لحاظ نظامی، سیاسی، اقتصادی و بیش از همه به لحاظ اخلاقی ضعیف هستند و به واقع در صحنه رقابت امریکا اسرائیل جایگاهی همچون پیاده‌های مطیع شطرنج را دارند. شاید احساسشان این باشد که اینان نیز در حال بازی هستند. ولی آنها (همچون عرفات و افرادش) از قدرت انتشار اطلاعات سیستماتیک به عنوان راهی برای حفظ ملت در برابر حمله کسانی که اعراب را جنگ طلب، افراطی، تروریست، و مرتجع می‌دانند، مطلع نیستند. ولی خوشبختانه زمان چنین رفتارهای غیرمسلحانه و ناگوار به پایان رسیده است. آیا نسل جدیدی به درستی وارد عمل خواهد شد؟ و سرانجام این روشنفکران هستند که باید تصمیم بگیرند؛ آیا قرار است دوباره به قهقرا و عدم سازماندهی و فساد برسیم و یا مجدداً یک ملت را تشکیل خواهیم داد.